



از این صفت یاد میکند میفرماید:

ایمان شما، رابطه شما بین انسان و الله است، ایمان رابطه بین مخلوق و خالق است، گویا امام میفرماید: ایمان زنجیری است یک طرفش متصل بشما و طرف دیگر مربوط به الله، این زنجیر حلقه‌ها دارد، یک حلقه زنجیر عقیده به توحید است، حلقه دیگر عقیده به رسالت و ولایت است، حلقه دیگر عقیده به معاد، حلقه دیگر (الحب فی الله) و حلقه دیگر (البغض فی الله) است، به این تعبیر امام میفرماید از محکمترین حلقه‌های ایمان بغض است، از محکمترین حلقه‌های دین بغض است.

در روایت دیگر این حب و بغض را به یک بیان دیگری بیان میکند میفرماید اگر کسی طاغوتی را، اگر کسی کارزشتی را، موجود پلیدی را دشمن دارد

بغض، حلقه محکمی

درسهایی از آیت ... مشکینی درس بیست و سوم

کافری را و منکری را دشمن دارد همانند آنست که الله را دوست داشته باشد و بلکه در برخی از روایات وارد است و استفاده میشود که از امام میبرسند بالاترین فضیلت چیست؟ میفرماید درود به پیامبر و رسولان الهیست و ظاهراً از آن بالاتر عبارتست از نفرین و بدگویی و دشمنی یا طاغوتهاست که مقام این از مقام آن والاتر و بالاتر است، آری وقتی که به قرآن هم مراجعه میکنیم «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ» مقدم بر «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ» است، کفر بطاغوت، طغیان در برابر طاغوت، عصیان در برابر عصیانگر و نفی و عداوت طاغوت مقدم بر ایمان به الله است «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» پس معلوم میشود که این صفت بغض از بهترین صفتهای نفسانی انسان است و انسان ایمانش روی دو پایه است: پایه حب است و پایه بغض، اگر انسانی حب الله داشته باشد و حب الله را در عبادتها پیاده کند ولی این پایه دوم را نداشته باشد (بی بخار باشد، بی تفاوت باشد) ایمانش یک بعدی است، ایمانش ناقص است. جمله بالاتری از امام صادق (ع) میبرسند سوال شد یابن رسول الله «أهل الحب والبغض إلا الإیمان» آیا حب و بغض جزء ایمان است؟ حضرت جواب عجیبی میفرماید. میفرماید «وهل الإیمان إلا الحب والبغض» آیا ایمان

مراد از حب همان حی است که ظاهر شود، آن حی است که پیاده شود، آن حی است که انسان را حرکت دهد و جهش و تپش و حرکت و قیام و نهضت ایجاد کند و مراد از بغض آن بغضی است که محرک باشد، آن بغضی است که انسان را علیه مبعوض و علیه شیاطین و کفار و کارهای زشت تکان دهد و نهضت ایجاد کند، حرکت و انقلاب بیافریند، ظهور پیدا کند. این صفت بغض است که بسیار عالیست و منشاء آثاری بزرگ است، امام ششم سلام اله علیه

حب و بغض، از بهترین صفات روحی انسان است. آن حی که انسان را حرکت دهد و قیام و نهضت ایجاد کند و آن بغضی که محرک باشد و انسان را علیه مبعوض و علیه شیاطین و کفار و کارهای زشت تکان دهد و نهضت ایجاد کند.

مقدمه: در شماره گذشته از سلسله درسهایی عرفان عملی در اسلام حضرت آیت الله مشکینی نکاتی پیرامون انسان کامل، استخاره، جگونگی حضر انسان در قیامت از نظر شما عزیزان گذشت. در این شماره مطالبی پیرامون بغض و آثار آن از نظر شما عزیزان می گذرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

علمای اسلام در کتب اخلاقی و روایتی به دو صفت متضاد متعرض شده‌اند و هر دو صفت را از صفات فاضله انسانی و از بهترین اوصاف روانی نوشته‌اند یکی از این دو صفت (الْحُبُّ فِي اللَّهِ) و دیگری (الْبِغْضُ فِي اللَّهِ) است (حب یعنی دوست داشتن و بغض یعنی دشمن داشتن) هر دو را صفت فاضله خوانده‌اند و هر دو دارای فضیلت والاتی است. دوست داشتن الله، دوست داشتن اولیاء الله، دوست داشتن فرمان الله دشمن داشتن طاغوتها، دشمن داشتن ظالمها و ستمگران، دشمن داشتن هر برنامه ضد الهی و هر عمل زشت، پس صفت حب از بهترین صفات روحی انسان است و صفت بغض نیز از بهترین صفات روحی انسان می‌باشد. در جلسات قبل سخنی از حب گفته شده و اینک مطلب در بیان این صفت فاضله بغض است. البته

جز حب و بغض چیز دیگریست؟ «آیا غیر از حب و بغض مطلب دیگریست، حقیقت ایمان در حب و بغض خلاصه شده است، حقیقت ایمان عبارت از همان حب و بغض است. پس بغض یک مرحله بزرگی از مراحل بزرگ ایمان است و بنام به اسلام، بنام به این مکتب و مذهب که میگوید انسان باید شدیداً بغض داشته باشد. کینه داشته باشد، عداوت داشته باشد و در برابر این عداوت و روی همین انگیزه حرکت هم بکند، قیام هم بکند. آری کینه بد است، عداوت بد است. اما نسبت به کی، اما نسبت به چه موجودی، نسبت به چه فعلی؟ اسلام در برابر طاغوتها میگوید بغض، در برابر کارهای زشت میگوید بغض، در برابر کارهای پلید و موجودات پلید میگوید بغض، میگوید حرکت.

*** این جوانان نیرومند و توانای ما که هم اکنون در جبهه‌ها مشغول مبارزه‌اند و افتخار می‌آورند، اینها روی انگیزه بغض حرکت می‌کنند، اینها دشمن ظلم و ستم می‌باشند اینها دشمن شیاطین درونی و بروتینند.**

از حلقه‌های ایمان

میگوید قیام و این صفت است که انسان را به جهاد وامیدارد و آن مردان ما و آن انسانهای مقتدر ما و آن جوانهای نیرومند و توانای ما که اینک در جبهه‌ها مشغول مبارزه‌اند و افتخار می‌آورند و دارند مردم را تجدید عهد به دوره اول اسلام میدهند و دارند جوانهای دوره اسلام را برای ما مجسم میکنند و این تاریخ گذشته را برای ما مجسم میکنند. این جوانها الان روی انگیزه بغض حرکت میکنند اینها دشمن ظلمند، اینها دشمن ظالمند، اینها دشمن ستمگرند، اینها دشمن شیطانهای درونینند، اینها دشمن شیطانهای بروتینند. بنام شما که این صفت انسانی بغض را که جهادها می‌آورند، طغیانها می‌آورند دارید، این صفت ابراهیم خلیل بود که در برابر نمرودها قیام و طغیان کرد. این صفت موسی کلیم بود که در برابر فرعونها عداوت نشان داد و قیام کرد. یکی از مهمترین صفتها همین صفت بغض است و این صفت است که در قرآن یاد میشود وقتی که شما به این آیه میرسید «هُوَ الَّذِي حَبَّبَ عَلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَرَوَّاهُ بِمَنِّي قُلُوبِكُمْ...» این آیه چه میگوید مردم، انسانها، بشرها، خدای شما آن خداست که این دو نعمت عظیم را به شما ارزانی داشته است، نعمت اول «حَبَّبَ عَلَيْكُمْ الْإِيمَانَ» شما علاقه به ایمان عطاء کرد (به این برادر و خواهر علاقه به ایمان عطاء کرده

که عاشق ایمان، مذهب و مکتب است) پروردگارا شکرگذاریم که این نعمت عظیم را بسا داده‌ای، پروردگارا از کرانه‌های مختلف کشورمان، جوانهایی که اول جوانی آنهاست ابتدای زندگیشان است از موطن خودشان، برمیخیزند و حرکت میکنند، یا به انگیزه دانش و علم به حوزه‌ها یا به انگیزه شهادت به جبهه‌ها می‌روند «هُوَ الَّذِي حَبَّبَ عَلَيْكُمْ الْإِيمَانَ» ای ایرانیها بروختان بیالید و بنامید که این

*** در روایت است که خداوند به حضرت موسی می‌فرماید: موسی از نماز بالاتر، از روزه بالاتر، از صدقه و ذکر بالاتر آن عملیست که مخصوص من است و من آنرا می‌خواهم، که آن دشمنی با دشمنان من، نهضت علیه دشمنان من و قیام علیه طاغوت و عمل بد است.**

نعمتها را خدا به شما ارزانی داشته است. این ایمان در دل شما محبوب است، عاشقید، علاقه‌مندید، پروانه‌اید، دور شمع ایمان می‌چرخید، مال و جان میدهد این یک نعمت عظیم پروردگار است. «وَكُرِهَ عَلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ» نعمت دوم پروردگار این است که در قلب شما بغض، کراهت، نفرت نسبت به کفر، فسق و نافرمانی الله ایجاد کرده است، شما از نافرمانی خدا بدتان میاید این بد آمدن مهمترین نعمتی است که شما دارید این بغض یکی از بهترین فضیلت اخلاقی شماست. خداوند این دو نعمت را به مقام امتنان درمی‌آورد و در مرحله امتنان میگذارد بنابراین برادران، خواهران و ای مسلمانها چنین باشید که قرآن میگوید وقتی که ما به قرآن مراجعه میکنیم در آن جنبه‌ای که میفرماید «الْأَتْظَلِمُونَ» مبادا بکسی ستم کنید در همان جادنبالش بلافاصله بسا میگوید «وَلَا تَنْظَلُمُونَ» مبادا زیر بار ستم هم بروید و مظلوم واقع شوید، مظلوم واقع شدن و بی‌بخار و بی‌حرکت شدن درست نیست آنان که خیال میکنند با روزه‌ها و نمازها فقط کار اصلاح میشود و در جای خود تنبسته‌اند و علیه ظلم قیام نمیکنند، علیه ظلم حرکت نمیکنند، علیه ظلم نمی‌جنبند و جهاد ندارند، اینها انسانهای نیمه‌انسانند مسلمانهای نیمه‌مسلمانند که در یک روایتی امام صادق فرمود، آن کسانی که دین دارند و بی‌دینند، دین دارند به این معنا که معتقد به الله و مبداء هستند، بی‌دینند یعنی بی‌بخارند، اینها نتیجه نمی‌بخشند ما از قرآن چنین مطلبی را میخوانیم. ای امت اسلامی، ای برادران هم کشور من همه شما چنین باشید که میگویم، مغزتان چنین باشد که هر عمل بد را محکوم کند، مغزتان چنین باشد که هر موجود پلید را محکوم کند، زبانتان چنین باشد که بر هر عمل بد و زشت بدگویی و نفرین کند، قلبتان چنین باشد که از هر عمل بدی نفرت اختیار کند و متنفر باشد، چستان چنین باشد که به هر موجود پلید و عمل زشتی بخشم نگاه کند و دستتان چنین باشد و قلمتان چنین باشد علیه هر عملی روی کاغذ برود و در مقابل هر عمل بدی دستتان متنت شود، گره کرده شود، در مقابل هر عمل زشتی، حرکت کنید، قیام کنید، نهضت کنید، انسان درست باشید، انسان زنده باشید، اسلام انسان زنده می‌آورد. اسلام تخصصش این است، مکتب اسلام یک چنین سکس است انسان مرده در منطق بقیه در صفحه ۵۸

بغض حلقه محکمی از حلقه های ایمان

از حضرت موسی (ع) خواست

آیا برای من کاری انجام داده ای یا نه، موسی در جواب عاجز شد مدتی فکر کرد، چهار عمل از اعمال خود را پیشنهاد کرد، خدا در میان اعمالم این چهار عمل را پیدا کردم که برای توست، نماز من، روزه من، صدقه من، ذکر من اینها برای توست، فرمود موسی اینها نیست، اینها خوبند، اینها عملند، من یک عمل والاتر و بالاتری میخواهم و آن این است یا موسی «هَلْ أَحْبَبْتُ لِي أَحَدًا، هَلْ أَحْبَبْتُ لِي وَلِيًّا وَهَلْ أَهْدَوْتُ لِي عَدُوًّا» موسی برای خاطر من دوست داشته ای؟ و برای خاطر من دشمن داشته ای؟ موسی از نماز بالاتر، از روزه بالاتر، از صدقه و ذکر بالاتر آن عملیست که مخصوص من است و من آنرا میخواهم، که آن دشمنی با دشمنان من، نهضت علیه دشمنان من و قیام علیه طاغوت و عمل بد است.

ادامه دارد

درنده باشید این روایت بما میگوید حمله کنید، یعنی روزی جهان گرگ می شود، دولتها گرگ می شوند و برای استعمار ملتها قدم بر میدارند و میخواهند شما را هم استعمار کنند، شما را هم بدرند، باید در آن زمان شما هم صفت گرگی بر خود بگیرید، آری در مقابل گرگ انسان باید گرگ شود و در مقابل پلنگ، پلنگ شود و در مقابل متکبر، متکبر شود و در مقابل حمله، حمله کند والا انسان را نابود میکنند، معنای این جمله این است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» آری پیروان قرآن در مقابل گرگها گرگی بودن نشان دهید، قیام کنید، حمله کنید که الحمدلله به پیروی از امام قیام کردید و حمله کردید و این یکی از بهترین صفات است که قرآن این صفت را میستاید جمله ای در روایتی میخوانم که سابقا اشاره کردم، خداوند

اسلامی، انسان نیست انسان بی حرکت در منطق قرآن انسان زنده نیست، انسان مرده است روایتی به خاطر آمد از آن روایتهای کثیر المعنا، و پرمحتواست که دلم میخواهد خوانندگان محترم عبارت امام را در قلبشان بنگارند و بفهمند که چه میفرماید عبارت مال پیامبر اکرم (ص) است.

«ساتی الناس زمان یكون الناس فی حد عابا و...» بر امتان من زمانی خواهد رسید که دنیا همه گرگ درنده خواهند بود (مردم همه مانند گرگ درنده خواهند بود که الان در یک چنین زمانی واقع شده ایم) اگر امت من، اگر شیعه من، اگر پیرو من گرگ شود میتواند زندگی کند و گرنه گرگها او را خواهند خورد، این روایت چه میگوید، این روایت بما میگوید گرگ باشید، این روایت بما میگوید

سرانگستان خونین...

کمک و بهداشت خواهران قالیباف برای سلامتی و تندرستی شان و نیز بیمه حوادث شخص
۵ - ایجاد محیطی سالم برای کارهای تولیدی قالیبافان در شهر و بخش و روستا بصورت کارگاههای صحیح تحت نظارت دولت جمهوری اسلامی بصورت رسمی و با نیمه رسمی که دسترنج آنان مستقیما به خودشان برگردانده شود و آینده و زندگیشان تأمین کرده و دولت موظف باشد بازار فروش را از انحصار سرمایه داران خارج کند.
۶ - دولت برای بالا بردن سطح تولید و معلومات

هنر قالیبافان منطقه وارد عمل شود و برای این کار کلاسهای تخصصی بوسیله استادان فن قالیبافی در منطقه دایر نمایند.
۷ - هنر قالیبافی را از وضعیت کنونی خارج کرده به یک حرفه و هنر زیربنایی برای اقتصاد کشور تبدیل نماید و برای اینکار از امکانات و تکنیک بهره بگیرند و دولت جهت بازاریابی در جهت سطح جهانی بوسیله تبلیغات و سایر برنامه ها بکوشند.
۸ - یک بازارچه کردن صنعت قالیبافی در سراسر

مملکت و سپردن مسئولیت آن به یک اداره و سازمان مشخص

۹ - به این امید که دیگر در سرزمین الله اکبر و اسلام اینگونه رنج و استضعاف که حاصل هزاران سال حکومت تنگین شاهنشاهی در وطنمان است ناپود گردد و به این امید که دیگر مستکبرین و طاغوتیان با فریاد الله اکبر، خمینی رهبر در هم فرو ریزد کاخ ستمگران با آوای ملکوتی قرآن مجید خود و واژگون گردد و فرهنگ نجات بخش اسلام جایگزین فرهنگهای چپ و راست و طاغوتی و استثمار شود.

توصیه های امام...

و در پایان این مقاله بایستی از ادامه دهنده گان راستین راه امام علی (ع) سخن بمان آورد از بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام خمینی و از فقیه عالیقدر حضرت آیت الله العظمی منتظری و از دیگرانی که در سخت ترین لحظات و با از دست دادن بزرگترین شخصیتهای جمهوری اسلامی پیوسته امر به عدل و پرهیز از انتقامجویی می نمودند.

و براستیکه عدالت با نام علی (ع) گره خورده است و چه زیبا سروده است شهریار، شاعر معاصر:
بجز از علی که گوید به پسر که قاتل من
چو اسیر تست امروز، به اسیر کن مدارا
و قریب بهمین مضمون در جاهای دیگر نهج البلاغه آمده است از جمله در سخنان آنحضرت که اندکی قبل از شهادت ایراد شده و در نامه شماره ۲۳ نهج البلاغه آمده است.

واحد حفاری جهاد...

قدرت آن بین ۲۰٪ - ۲۵٪ میلیون ریال الی ۷۰٪ میلیون ریال میباشد، واحد از ابتدا سعی نموده است که با کامل نمودن حداقل تجهیزات مورد نیاز و تأمین و تربیت پرسنل فنی و بکارگیری کامل دستگاه بجای اضافه نمودن دستگاه حفاری، بازده کاری یکدستگاه را افزایش دهد که انجام این کار عملا با مشکلات متعددی مواجه بوده است که الحمدلله بخشی از این کار تا کنون انجام و بخشی نیز در دست اقدام میباشد.
ادامه دارد...